

متن پرسش

سلام: می‌فرمایید: قرآن کشف محمدی است. جای دیگر فرمودید: کتب علمای اهل خلوت ما، اسرار و مکشوفات ایشان است که به کتابت در آمده است. حال پرسش اینجاست که این گونه طرح مسئله چه تفاوتی با نظریه بسط تجربه نبوی دکتر سروش دارد؟ اگر پاسخ دهید که: تفاوت اینجاست که آن کشف، تام است و معصوم و برخاسته از یک نفس مصطفی، و این کشف، ناقص است و غیر معصوم و برخاسته از نفوس مادون مصطفی، نقول: امثال آقای سروش هم این حد وسط را حفظ کرده اند! فیمکن القول بر این که از جهت مبانی، تفاوتی میان اندیشه شما و ایشان دیده نمی‌شود. به معراج برآیید چو از آل رسولید، رخ ماه ببوسید چو بر بام بلندید! شما متشرعان به شریعت مصطفایید! متمسکان به معراج ولایت اویید! پس تحت ولایت والای او سیر کنید و به معراج برسید. تجربه‌ی محمد مصطفی را شما هم می‌توانید بچشید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عرایضی در جزوه‌ی «بررسی و نقد نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت» شده است. از آن جهت که قرآن اگر کشف محمدی است، به اعتبار «نزل به الرّوح الامین» است تا پیامبر «منذر» باشند. لذا به آن حضرت فرمود: «لتکون من المنذرين». پس با ربوبیت الهی پیامبر مأمور هدایت بشریت است و این، از زمین تا آسمان با تئوری تجربه‌ی نبوی فرق دارد. موفق باشید.

آدرس جزوه <http://lobolmizan.ir/leaflet/1314>